

مراسم سالانه دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) صبح دیروز (شنبه) با حضور حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، فرمانده معظم کل قوا برگزار شد.

رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای ورود به میدان، با حضور بر مزار شهیدان گمنام و قرائت فاتحه، یاد و خاطره شهیدان دفاع مقدس را گرامی داشتند. فرمانده کل قوا سپس از یگان‌های حاضر در میدان سان دیدند.

ایشان همچنین جانبازان سرافراز حاضر در میدان را مورد تقدیر قرار دادند و با تعدادی از خانواده‌های معظم شهدا دیدار و گفت‌وگو کردند.

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در این مراسم با اشاره به توطئه دشمن برای ایجاد شکاف میان نظام اسلامی و مردم، همگان به‌ویژه مسئولان را به هوشیاری، ایستادگی، تدبیر، انسجام ملی و دوری از اشرافی‌گری فراخوانده و تأکید کردند: «اگر مولفه‌های اقتدار ملی تقویت شوند و در مقابل دشمن سستی و تسلیم نشان داده نشود، بدخواهان بار دیگر در رسیدن به اهداف خود ناکام خواهند ماند.»

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به آیاتی از قرآن کریم، لازمه بی‌اثر شدن توطئه‌های دشمنان را صبر و تقوا برشمرده و افزودند: «انقلاب اسلامی، ریشه‌دار و آینده‌دار است و دستیابی به آرمان‌های بلند آن، به صبر و استقامت نیاز دارد.»

ایشان همچنین گفتند: «تقوا به معنای مراقبت از خود در مقابل دشمن است و لازمه این مراقبت، هوشیاری در برابر حيله‌های دشمن و اعتماد نکردن به او، تدبیر و عقلانیت و پرهیز از سهل‌انگاری و سستی است.»

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای تأکید کردند: «اگر همه مردم و جوانان و همچنین مسئولان سیاسی، اقتصادی و امنیتی و نظامی، این صبر و تقوا را به کار ببندند، به توفیق الهی، هیچ ضربه و صدمه‌ای وارد نخواهد شد.»

رهبر انقلاب اسلامی همچنین به‌موضوع مولفه‌های قدرت نظام اسلامی اشاره کردند و با یادآوری سلطه انگلیس و آمریکا بر ایران در طول ۵۷ سال حکومت پهلوی گفتند: «با پیروزی انقلاب اسلامی، غل و زنجیر از دست و پای مردم باز و طمع واقعی استقلال و آزادی چشیده شد.»

ایشان یکی دیگر از عناصر قدرت نظام جمهوری اسلامی را «اعتماد به‌نفس ملی» و «تأثیرگذاری مردم در همه امور کشور» دانستند و افزودند: «این اعتماد به‌نفس ملی همراه با ایمان بود؛ ایمانی که همچون روحی در کالبد حرکت عمومی کشور زمینه‌ساز زنده شدن، امید و ابتکار و فداکاری در جامعه شد که نمونه‌های فراوانی از آن را در دوران دفاع مقدس شاهد بودیم.»

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، جرأت اقدام را از دیگر ثمرات ایمان و اعتماد به‌نفس ملی برشمردند و خاطرنشان کردند: «با این روحیه و جرأت، سپاه، جهاد سازندگی، بسیج و حرکت‌های عمومی در کشور شکل گرفت و نیروهای مسلح جان تازه‌ای گرفتند و مجموعه‌های خدماتی و سازندگی و

حرکت‌های پرافتخار علمی ایجاد شد.»

رهبر انقلاب اسلامی، اقتدار واقعی را جوشنده از درون ملت و بر پایه استقلال و آزادی دانستند و افزودند: «این اقتدار نیست که برخی به بیگانگان پول بدهند و از آنها سلاح بخرند و انبار کنند، اما حتی نتوانند از آن سلاح‌ها استفاده کنند یا از آن طرف دنیا بپایند در کشوری پایگاه بزنند و خون ملت آن را بمکند تا اقتدار یک خاندان را حفظ کنند؛ اینها نمونه‌های حماقت و ذلت است نه اقتدار.»

ایشان با تأکید بر اینکه ملت ایران باید ضمن حفظ و تقویت عناصر قدرت خود از آنها استفاده بهنگام کند، خاطرنشان کردند: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از مولفه‌های قدرت است که باید از نظر کیفی، روزبه‌روز اعتلا یابد و از

ظرفیت‌های فراوان آن استفاده شود.»

رهبر انقلاب اسلامی گفتند: «برخی می‌گویند چرا در توصیف قدرت ملت ایران مبالغه می‌کنید، در پاسخ باید گفت این مبالغه نیست بلکه عین واقعیت است.»

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای افزودند: «بزرگ‌ترین دلیل برای اقتدار ملت ایران، این است که یکی از سفاک‌ترین و بی‌رحم‌ترین قدرت‌های دنیا یعنی آمریکا، در ۴۰ سال گذشته از هیچ تلاش و شرارتی برای مقابله با ملت ایران فروگذاری نکرده، اما نتوانسته غلظی بکند و در مقابل، ملت ایران پیشرفته‌تر شده است.»

ایشان با تأکید بر اینکه علاوه بر دشمن خارجی، دشمنان داخلی هم در طول این سال‌ها مشغول تحرک و توطئه

رهبر انقلاب در دانشگاه امام حسین(ع):

استقلال و آزادی؛ دو پایه اقتدار ملت



بودند، گفتند: «از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، سه جریان معارض در داخل کشور وجود داشت: «جریان به‌اصطلاح لیبرال که دلبسته آمریکا و غرب بود»، «کمونیست‌های اسلحه‌به‌دستی که از هیچ اقدامی ابا نداشتند» و «منافقین، با ظاهر اسلامی و با باطنی خیبت و کفرآمیز و بی‌هویت» که حتی حاضر به همراهی با صدام بدنام نیز شدند و اکنون هم مشغول ارائه خدمات جاسوسی و خبرچینی برای دولت‌هایی امثال فرانسه و انگلیس و آمریکا هستند.» رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه هر سه جریان، مغلوب و منکوب انقلاب اسلامی شدند، افزودند: «البته یک جریان تجر و ارتجاع داخلی هم بود که آنها قابل ذکر نیستند و ملت از آنها عبور کرد.»

درنگ

پیدا و پنهان ۳ جریانی که از ملت شکست خوردند!

مثلت شوم ضدملی

لیبرال‌ها

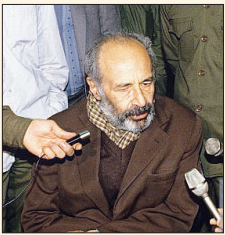
اگر چه ریشه تفکر لیبرال‌یسم در ایران را می‌توان به‌منورال‌فکرهای بعد از دوران مشروطه و به‌خصوص فروغی نسبت داد، ولی بی‌تردید پرچمدار این تفکر را می‌توان حزب نهضت آزادی و مسلک ملی‌ مذهبی دانست. نهضت آزادی در ۲۷ اردیبهشت سال ۱۳۴۰ به دنبال اختلاف میان مهدی بازرگان و یدا... سجالی با شورای مرکزی جبهه ملی تأسیس شد و با توجه به نامه بازرگان به مصدق، تأیید وی را نیز یدک می کشید. در واپسین روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، با ورود امام خمینی (ره) به ایران، از آنجا که بنیانگذار کبیر انقلاب به‌شدت به دنبال استعفا ی بختیار و تشکیل دولت بودند، حکم به تشکیل دولت موقت داده و از این رو مطابق جلسه شورای انقلاب با امام خمینی در ۱۵ بهمن ۵۷، مهدی بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت انتخاب و اعلام شد؛ انتخابی که بعدها امام (ره) با قسم جلاله‌تاکید کردند که مخالف نخست‌وزیری بازرگان بودند و حتی در حکم بازرگان نیز تاکید شد که این انتخاب بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و وابستگی بازرگان به گروه خاص صورت گرفته است. بازرگان حتی در فرانسه نیز بی‌پرده شکست شاه و حکومت پهلوی را ناشدنی می‌دانست، با این حال از زمانی که دولت موقت کار خود را آغاز کرد، تفکرات این جریان لیبرالی عیان تر شد.

ایین جریان که دل در گرو آمریکا و غرب داشت، حتی در روزهای آغازین انقلاب حکم به حضور مستشاران نظامی آمریکایی در ارتش داد. حتی زمانی که هنوز چند ماهی بیشتر از پیروزی انقلاب نگذشته بود که حضور مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت و دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه این دولت، در جشن‌های سالگرد پیروزی انقلاب الجزایر خبر ساز شد و ملاقات محرمانه آنها با برژنسکی، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور آمریکا، ابهامات در خصوص مشی این جریان را بیشتر کرد؛ ابهاماتی که پس از ۹ ماه از تشکیل دولت موقت، هم‌زمان با تسخیر لانه جاسوسی و متعاقب آن استعفا ی بازرگان به یقین پیوست. با روی کار آمدن بنی‌صدر و آغاز دفاع مقدس، نهضت آزادی همچنان خط سازش را دنبال می کرد و با ادعای صلح طلبی، شمشیر مقابله با سیاست‌های نظام اسلامی را از رو پست. تا آنجا که امام خمینی (ره) صلح طلبی آنان را همسو با صلح طلبی اسرائیل خواند. نهضت آزادی هم‌زمان با تروورها و اقدامات جنایتکارانه منافقین به حمایت گسترده از این گروهک تروریستی پرداخت و اقدام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی را تئوریزه و تأیید کرد.

حمایت بازرگان و جریان فکری اش از منافقین تا آنجا پیش رفت که سید محمد خاتمی مسئول وقت روزنامه کیهان در سرمقاله‌ای معروف، زبان به نقد تفکرات بازرگان گشود و بر خوی آمریکایی این جریان و حمایت‌شان از گروهک‌های ملحد و منحرف و محارب تأکید کرد.

در بهمن ۶۶ و کشاکش انتخابات مجلس سوم، هم‌زمان با تحرک این حزب برای تصدی کرسی‌های مجلس با توجه به سوابق این جریان، علی‌اکبر محتمشی، وزیر وقت کشور، طی نامه‌ای نحوه مواجهه با این جریان فکری را از نمایندگان خواستار شد. بنیانگذار کبیر انقلاب در پاسخ به این چاره‌جویی با قاطعیت ضرر نهضت آزادی را به علت آنکه متظاهر به اسلام هستند، از منافقین بیشتر دانست و منافقین را فرزندان عزیز مهندس بازرگان لقب داد. در نامه صریح‌الحسن ۳۰ بهمن ۶۶ امام خمینی (ره) تأکید شد است: «نهضت به‌اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری قضایی را ندارد... نهضت به‌اصطلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می‌گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند.»

کمونیست‌های اسلحه به‌دست



بعد از انقلاب فضای سیاسی ناگهان باز شد و همه گروه‌هایی که از کمترین حدود قدرت برخوردار بودند، فعال شدند و برخی حتی ادعای حاکمیت هم کردند. گروه‌های چپ از جمله این دسته‌ها و گروه‌ها بودند. کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها عمدتاً دوره جدیدی از فعالیت خود را در زمان انقلاب آغاز کردند. اولین تلاش آنها خروج از ذیل سایه امام خمینی (ره) و جریان نزدیک به ایشان بود که البته در این مسیر با حداقل دو مشکل جدی مواجه بودند؛ اول جامعه مذهبی ایران که گرایش جدی به اسلام امام خمینی (ره) داشت و دوم التقاط فکری و عملی که اجازه نمی‌داد در جامعه به صورت جدی فعالیت کنند، جذب نیرو داشته باشند و هم‌ژن شوند. در نظر شعار اصلی این گروه‌ها مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری به‌ویژه مدل آمریکایی آن بود و در عمل هم امید داشتند در حکومت جدید ایران را به سوی شوروی ببرند، از این رو چپ‌ها هم در شعار از جریان انقلابی عقب بودند و نمی‌توانستند او انکار د عمل کنند و هم در عمل با تئوری نه شرقی و نه غربی امام چالش داشتند. معروف‌ترین گروه در میان این جماعت، توده‌ای‌ها بودند؛ گروهی که بعد از اشغال ایران به دست متفقین در جنگ جهانی دوم و سپس سقوط رضا شاه، با رهبری تقی ارانی فعالیت خود را آغاز کرده بودند و حالا افرادی چون ایرج اسکندری و نورالدین کیانوری آنها را رهبری می‌کردند. این جریان هر چند در سال‌های ۵۹ و ۶۰ سازمان نظامی و سیاسی خود را مجدد متشکل کرد، اما در میان دیگر گروه‌ها به محافظه کاری بیشتر مشهور بود و تا پایان نیز دست به اسلحه نشد.

در ابتدای دهه ۶۰ و با روشن‌گری جریان انقلاب، بحران هویتی این جریان را فرا گرفت و درگیری‌های داخلی در کنار اثبات جاسوسی آنها باعث حذف این جریان در سال ۶۲ از کشور شد. علاوه بر حزب توده برخی گروه‌های چپ از زمان پهلوی همچنان در ایران فعال بودند و دقیقاً برخلاف توده‌ای‌ها، این گروه‌ها علیه انقلاب دست به اسلحه شدند و هر کدام‌شان در گوشه‌ای برای زمین گیر کردن نهضت امام و جدا کردن بخش‌هایی از خاک ایران تلاش کردند. سازمان چریک‌های فدایی خلق، مارکسیست‌های متشعب از مجاهدین، اتحادیه کمونیست‌ها، گروه توفان، پیکار، دموکرات‌ها و کمونیست‌های کردستان و چندین گروه دیگر از جمله آنها هستند.

اتحادیه کمونیست‌های ایران یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها ست؛ کسانی که مستقیماً در حادثه آمل در سال ۱۳۶۰ فعال شدند و برای تسخیر این شهر دست به اسلحه بردند که البته طرف تنها چند روز با مقاومت گروه‌های مردمی و ورود نیروهای انقلاب ورق برگشته و شهر به شرایطی قبلی بازگشت. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران دیگر گروه فعال در ابتدای انقلاب بودند که آنها هم به جز عملیات‌های محدود و برخی تروورها نتوانستند اقدام موثر دیگری انجام دهند و در ابتدای دهه ۶۰ با انشعابی درون سازمانی فروپاشیدند. گروه دیگری مانند خلق ترکمن که تا سال ۵۸ نازار می‌هایی را هم در شمال ایران پدید آورده بودند نیز از جمله همین گروه‌ها بودند.

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تازه‌های سیاست

ایشان، دلیل دیگر بر قدرت و اقتدار ملت ایران را تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای از جانب آمریکا برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی دانستند و افزودند: «اگر آمریکا می‌توانست به‌تنهایی به اهداف خود برسد، نیازی به تشکیل ائتلاف با کشورهای روسیه و مرجع منطقه نداشت.» حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای خاطرنشان کردند: «به دلیل قدرت و پیشرفت نظام جمهوری اسلامی، دشمنی آمریکا بیشتر شده و البته نفرت ملت ایران هم از آمریکا، روزبه‌روز بیشتر شده است.»

رهبر انقلاب سپس به طراحی دشمن در شرایط کنونی اشاره کردند و گفتند: «برنامه دشمن، ایجاد شکاف و جدایی میان نظام و مردم است و این طراحی نشان دهنده حماقت آنها است، زیرا نمی‌دانند نظام جمهوری اسلامی، چیزی جز ملت ایران نیست و این دو جداشدنی نیستند.»

ایشان با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران یک نظام متکی بر آحاد مردم و ایمان و محبت و عواطف آنان است، به شکست تلاش‌های رسای جمهوری قبلی آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی اشاره کردند و افزودند: «هدف از فشارهای اقتصادی کنونی، به ستوه آوردن مردم است، اما به حول و قوه الهی، ما پیوندمان را روزبه‌روز با مردم بیشتر خواهیم کرد و با حفظ انسجام دشمن شکن خود، جوانان مومن و پرنگیزه و اهل اقدام را تقویت خواهیم کرد.» حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای خطاب به نسل جوان و عبور کشور گفتند: «دشمن با استقلال و عزت و پیشرفت و حضور شما در میدان علم و سیاست و اعتلای کشور مخالف است.»

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه دشمن تا آنجایی که بتواند به‌مودی‌گری‌های خود ادامه خواهد داد، خاطرنشان کردند: «اگر مسیر صبر و تقوای همراه با هوشیاری و تدبیر و انسجام ملی با قدرت ادامه پیدا کند، یقین داشته باشید مودی‌گری‌ها به نتیجه نخواهد رسید.»

ایشان با اشاره به تجویز برخی‌ها برای تسلیم شدن مقابل دشمن افزودند: «هزینه تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه مقاومت و ایستادگی است و فایده و دستاوردهای ایستادگی صدها برابر بیشتر از هزینه‌های تسلیم شدن است.»

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای تأکید کردند: «تسلیم شدن در برابر دشمن عنود و لجوج نتیجه‌ای جز لگدمال و بی‌هویت شدن نخواهد داشت.»

رهبر انقلاب اسلامی به یک قانون تخلف‌ناپذیر الهی اشاره کردند و گفتند: «اگر سست نشوید و بادشمن سازش نکنید، خداوند متعال در مقابل این صبر و مجاهدت، کم نخواهد گذاشت و پاداش آن را به‌طور کامل خواهد داد.» ایشان در پایان، همه آحاد ملت ایران و مسئولان را به هوشیاری و مراقبت از کار خود دعوت و خاطرنشان کردند: «مسئولان مراقب باشند از سهل‌انگاری، تنبلی، اشرافی‌گری، تکبر نسبت به مردم و تکیه به جایگاه چندروزه ریاستی اجتناب کنند.»

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: «آن‌روزی که ملت ایران در جایگاهی قرار گیرد که دشمنان جرأت تهاجم نظامی، اقتصادی و امنیتی و سیاسی را نداشته باشند، دیر نخواهد بود و جوانان آن روز را خواهند دید.»

منافقین



گروهک تروریستی منافقین یک ضلع از سه ضلع جریان‌های معارضی بود که در داخل کشور علیه نظام خنجر کشیدند؛ گروهکی که چند سال پیش از انقلاب (۱۳۵۴) با تغییر مشی ایدئولوژیک، از التقاط موجود در اندیشه‌های خود پرده برداشت. بعد از شکست سازمان مجاهدین خلق در فراندوم جمهوری اسلامی و نیز انتخابات تعیین اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی – که حتی مسعود رجوی هم در آن رأی‌ناورد-عناصر این سازمان در نهاد‌های مختلف نظام اعم از کیمتیه، دفتر رئیس‌جمهور، نخست‌وزیری، شورای امنیت کشور و... نفوذ کردند. این رویه تا زمان ریاست جمهوری بنی‌صدر ادامه داشت و نیروهای میدانی منافقین، نقش ملیشاییابی بنی‌صدر را ایفا می کردند. در گیر و دار عزل نخستین رئیس‌جمهور ایران، منافقین رسماً علیه جمهوری اسلامی اعلام جنگ مسلحانه کردند. بر این اساس و درست زمانی که کشور درگیر جنگی تمام‌عیار با رژیم بعث عراق شده بود، عملیات ترور مسئولان نظام به‌طور ویژه در دستور کار این گروهک قرار گرفت. ترور آیت‌ا... خامنه‌ای، در ۶ تیر ۶۰، ترور شهید بهشتی رئیس وقت دیوان عالی کشور و ۱۰ نفر از مقامات و چهره‌های برجسته سیاسی از جمله چهار وزیر، چند معاون وزیر، ۲۷ نماینده مجلس و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی فردای همان روز، ترور شهید رجایی رئیس‌جمهور، شهید باهنر نخست‌وزیر وقت و گروهی از اعضای هیات دولت در هشتم شهریور ۶۰ و... از این دست بودند.

در ادامه عوامل منافقین به عراق پناه بردند و مسعود رجوی نیز با این تحلیل که ارتش بعث به انکای حمایت‌های بین‌المللی موجود به‌طور حتم بازنده جنگ نخواهد بود، به‌طور رسمی به‌صدام پیوست و در کنار ارتش این رژیم قرار گرفت. از این رو رجوی در پی امضای معاهده‌ای با «طارق عزیز» معاون نخست‌وزیر وقت عراق – که در فرانسه صورت گرفت، در سال ۶۵ وارد بغداد شد. سلسله عملیات‌های متعدد در طول نوار مرزی ایران نظیر سرشدت، دهلران، مریوان، سرپل ذهاب، جنوب باه، ارتفاعات کرمانشاه و در نهایت عملیات مرصاد که همگی با حمایت و پشتیبانی ارتش عراق صورت گرفت را باید ماحصل این همکاری دانست.

منافقین تا سال‌ها بعد از جنگ نیز در پادگان اشرف به سر می‌بردند تا آنکه بعد از سقوط صدام و اقامت کوتاه‌مدت در اردوگاه لیبرتی درنهایت با فشار دولت عراق، مجبور به ترک این کشور و عزیمت به آلبانی شدند؛ انتقالی که قرار بود بیش از چهار ماه طول بکشد، اما با فشارهای آمریکا بیش از چهار سال به طول انجامید. ناظران یکی از علل طولانی شدن این روند را تلاش آمریکا برای استفاده از این گروه تروریستی علیه تهران، در خلال مذاکرات هسته‌ای با ایران می‌دانستند. به هر روی با تغییر رویکرد این گروهک از فاز نظامی به فاز اطلاعاتی و امنیتی، کارهای بر زمین مانده زیادی به‌آنها محول شد؛ از فضا سازی علیه برنامه هسته‌ای ایران تا ترور دانشمندان هسته‌ای و طراحی عملیاتی برای مواردی چون محله تروریستی، به مجلس شورای اسلامی و حرم حضرت امام(ره). حالا و در غیبت پرابهام مسعود رجوی که برخی آن را ناشی از کشته شدن او می‌دانند، همسرش مریم رجوی سرکردگی این گروهک تروریستی را به عهده گرفته است. منافقین اکنون با تقویت حمایت‌های آمریکا، عربستان و اسرائیل، دوسالی هست که از لا ک انفعال خارج شده‌اند و با برگزاری نشست‌های سالیانه پسر و صدا به عرض اندام مجدد و خط و نشان کشیدن برای ایران فکر می‌کنند.